



مقاله: بومی‌سازی علوم انسانی با تأکید بر نظریه اعتباریات علامه طباطبائی

به عقیده علامه طباطبائی اعتبارات برخلاف ادراکات حقیقی، وهمی هستند؛ البته منشأ اثرند و در رفتار و عمل انسانی در زندگی کارایی دارند.

به عقیده علامه طباطبائی اعتبارات برخلاف ادراکات حقیقی، وهمی هستند؛ البته منشأ اثرند و در رفتار و عمل انسانی در زندگی کارایی دارند.

به گزارش خبرگزاری مهر، به نقل از فصلنامه صدرا، ابوذر رجبی استادیار دانشگاه معارف اسلامی در شماره ۱۸ فصلنامه صدرا در مقاله ای به بیان نظریه اعتباریات علامه طباطبائی و ارتباط آن با علوم انسانی پرداخته است.

علامه طباطبائی از متفکران برجسته جهان اسلام در حوزه علوم انسانی است. کمتر مسئله‌ای در این حوزه می‌توان یافت که وی در آثار خود بدان توجه نکرده باشد. او در مواجهه با اندیشه‌های انحرافی و التقاطی، ضمن نقد آنها، معارف اصیل اسلامی را بیان می‌کرد. همچنین در مواجهه با مارکسیسم، ابعاد مختلف این مکتب را تجزیه و تحلیل، و با ورود به بحث‌های تطبیقی در حوزه فلسفه، مباحث مهمی را طرح کرد. محصول مواجهه او با این دو، طرح اندیشه‌های ابداعی و ابتکاری بود. نقد و بررسی دیدگاه مارکسیسم، منجر به نگارش کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» گردید. همچنین مواجهه او با اندیشه‌های مختلف جهان اسلام را می‌توان در اثر وزین و گران‌سنگ تفسیری «المیزان» مشاهده کرد. از بین آرا و مباحث ابتکاری و بدیع وی در این دو اثر می‌توان به نظریه ادراکات اعتباری اشاره کرد. با اینکه محققان، این دیدگاه ابتکاری را نقد و بررسی و حتی برخی انکار کرده‌اند، از ارزش و اهمیت آن کاسته نشده و همچنان در محافل علمی مورد اقبال است.

نظریه یادشده، ظرفیت فراوانی در عرصه‌های مختلف و از جمله در زمینه تحول علوم انسانی و اسلامی‌سازی علوم و به تعبیر رایج، بومی‌سازی علوم دارد. با توجه به تبعات و لوازم این نظریه در حوزه‌های مختلف فلسفه، اخلاق، حقوق، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، معرفت‌شناسی، تعلیم و تربیت و فلسفه فرهنگ، می‌توان آن را مدلی برای تحول در حوزه‌های یادشده تلقی کرد.

چیستی نظریه اعتباریات

اعتباریات در اندیشه علامه دارای چند معناست. گاهی منظور از آن، مفاهیم انتزاعی است که عقل آدمی با مقایسه و تحلیل، آنها را می‌سازد. غالب مفاهیم فلسفی از این‌ساخته‌اند؛ مانند مفاهیم وجود، علت، ضرورت، کلی و این معنا از اعتبار، در حوزه معرفت‌شناسی مطرح است. تعبیر فلاسفه از این دسته مفاهیم، همان معقولات ثانیه فلسفی و منطقی است که منشأ انتزاع واقعی دارند و قسیم آن، معقولات اولی یا همان مفاهیم ماهوی است.

علامه از صورت فوق، به اعتبارات بالمعنی الاعم یاد می‌کند؛ اما اعتباریات به عنوان نظریه ابتکاری علامه، اعتباریات بالمعنی الاخص است. در این معنا مراد آن است که ذهن آدمی معانی و مفاهیمی را برای رفع نیازهای حیات فردی و اجتماعی خود وضع می‌کند؛ مانند مفاهیم ملکیت و ریاست. ساخت این دسته از مفاهیم، فعالیت معرفتی و شبیه تشبیه و استعاره در ادبیات است.

تعریف علامه از اعتباریات به این شرح است: «معنای تصویری یا تصدیقی که صرفاً در ظرف و بستر عمل تحقق دارد و بازگشت اعتبار به عاریت گرفتن مفاهیم دقیقی و به کار بردن آنها در انواعی از افعال است برای وصول و دستیابی به اغراض زندگی مطلوب مانند ریاست».

بر اساس این تعریف، مشخص می‌شود اعتبارات برخلاف ادراکات حقیقی، وهمی هستند؛ البته منشأ اثرند و در رفتار و عمل انسانی در زندگی کارایی دارند. انسان در جعل این دسته از مفاهیم، تحت تأثیر نیازهای خود قرار دارد. از ویژگی‌های این مفاهیم آن است که برخلاف ادراکات حقیقی، قراردادی‌اند و از نفس‌الامر حکایت نمی‌کنند.

از دیگر ویژگی‌های اعتباریات آن است که اموری از سنخ اندیشه‌اند؛ اما اندیشه‌ای ابزاری ناظر به نیازهای انسان، نه ناظر به واقع و کاشف از آن.

ویژگی‌های دیگر ادراکات اعتباری عبارت‌اند از: آثار و لوازم این ادراکات، حقیقی و منشأ حقایق است؛ اطلاق و ضرورت در ادراکات اعتباری جایگاهی ندارد؛ یعنی این مفاهیم نسبی، موقت و غیر ضروری‌اند؛ احکام و مفاهیم مربوط به اعتباریات انشایی هستند.

اعتباریات و علوم انسانی

چیستی علوم انسانی

از منظرهای مختلف، از علوم انسانی تعاریف متعددی شده است. به اجمال می‌توان گفت علوم انسانی، دانش‌هایی هستند که انسان در آنها از لحاظ حیات درونی و روابط با دیگران، بررسی می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، علوم انسانی شاخه‌ای از علمی هستند که مطالعات و تأملات انسان را درباره خودش از زوایای گوناگون در بر می‌گیرند و در زمینه‌های متنوعی نیز رشد یافته‌اند. در واقع علوم انسانی به مطالعه رفتارها و افعال انسانی می‌پردازند و فعالیت‌های فردی و اجتماعی انسان را تبیین و تفسیر می‌کنند. غیر از تبیین و تفسیر، باید از پیش‌بینی، تقویت، اصلاح یا تغییر کنش‌های انسانی نیز به عنوان شاخصه‌های اساسی در تعریف علوم انسانی یاد کرد.

در دانشگاه‌های غرب عبارت علوم انسانی معمولاً شامل هسته‌ای علمی مرکب از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی می‌شود. گاهی زبان‌شناسی و تاریخ را نیز به آن می‌افزایند. با مراجعه به آثار متفکران علوم انسانی اسلامی و از جمله مرحوم علامه طباطبایی و شاگردان ایشان که خود صاحب‌نظرانی در عرصه علوم انسانی اسلامی به شمار می‌روند (اساتید بزرگوار چو مطهری، مصباح یزدی، و جوادی آملی) می‌توان علوم انسانی را این‌گونه تعریف کرد: علوم انسانی به علمی اطلاق می‌شود که به انسان و ابعاد وجودی او می‌پردازد؛ البته ابعاد وجودی ناظر به بعد انسانی، نه ناظر به ابعاد طبیعی و فیزیولوژیکی. با توجه به این تعریف، علوم انسانی ناظر به کنش‌های فردی و اجتماعی خواهد بود که ارتباط وثیقی با اراده و آگاهی انسان دارد.

جایگاه اعتباریات در علوم انسانی

اعتباریات، ادراکی است ناظر به عمل و رفتار انسانی. در واقع این دسته از ادراکات، کارکرد عملی دارند و همین ارزش کارایی در حوزه عمل، لغویت و بی‌اثری را از این دسته از ادراکات خارج می‌سازد. افعال انسانی بدون این ادراکات شکل نمی‌گیرد. از نظر مرحوم علامه، میان خود ادراکات اعتباری رابطه تولیدی و استنتاجی برقرار است و همین رابطه می‌تواند علوم مختلف را شکل دهد. علمی که از ادراکات اعتباری به دست می‌آید، نمی‌تواند علوم طبیعی و علوم ناظر به حقایق واقعی و خارجی باشد. حاصل آنکه علوم تحصیلی از این دسته از ادراکات علمی، ناظر به انسان و نیازهای وی خواهد بود و آن چیزی نخواهد بود جز علوم انسانی. بنابراین می‌توان لازمه منطقی پذیرش ادراکات اعتباری را تشکیل علمی ناظر به نیازها و غایات و افعال انسانی دانست. تحقیقاً این علوم همان علوم انسانی خواهند بود که امروزه در تقسیم‌بندی علوم از آنها سخن به میان می‌آید.

اعتباریات درباره قواعد رفتار انسان است و به همین دلیل با مفاهیم بنیادین علوم انسانی ارتباط پیدا می‌کند. موضوع اعتباریات، رفتار انسانی است و از سنخ انشا و اعتبار محسوب می‌شوند. رفتار انسانی نیز گاهی ناظر به فرد است و گاهی ناظر به اجتماع. از سوی دیگر، این رفتار در حوزه‌های مختلف اخلاقی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی، مدیریتی و ... مطرح می‌گردند. این حوزه‌ها هم کاملاً همان حوزه‌های مرسوم علوم انسانی است. پس اعتباریات اصل اساسی برای شکل‌دهی به علوم انسانی خواهد بود.

بومی‌سازی علوم انسانی، ناظر به مسئله ادراکات اعتباری

بومی‌سازی علوم به معنای عام و خاص، زیرمجموعه جریان گسترده‌تری است که بومی‌سازی علم نام دارد. در اینکه علوم انسانی حاکم بر مغرب‌زمین با مبانی اسلامی ناسازگار است، جای تردید نیست. بومی‌سازی علوم انسانی، فاصله گرفتن از علوم حاکم بر غرب و شکل‌دهی علمی مبتنی بر جهان‌بینی حاکم بر کشورهای اسلامی است. این جریان با تردید درباره جهانی بودن مفاهیم اجتماعی غربی، حتی جهانی بودن آن را انکار می‌کند. به تحقیق، علوم انسانی غربی متناسب با مسائل جامعه بومی ما نیست.

بومی کردن علوم، به معنای شکل‌گیری علوم در یک فضای فرهنگی و تاریخی خاص است؛ به گونه‌ای که مسائل مطرح در آن علم، ناظر به نیازها و گرفتاری‌هایی است که پاسخ به آنها دغدغه خاطر نظریه‌پردازان جامعه اسلامی است. از این رو حرکت علم، برای حل مسائل جامعه‌ای خاص چونان جامعه ایران اسلامی است و تبیین علوم مربوط به آن، ضامن بومی شدن آن علم خواهد بود. هرگز نمی‌توان علوم وارداتی را با مسائل بیگانه‌ای که به جوامع دیگری مربوط می‌شود، راه‌حلی مناسب برای برطرف کردن مشکلات خود دانست. بنابراین شناخت مسائل جامعه، نقش مهمی در بومی شدن علم دارد و تطبیق راه‌حل‌ها با فرهنگ، اثر بسزایی در نقش‌آفرینی علم در هر جامعه دارد.

رشته‌های مختلف علوم انسانی، جملگی مبتنی بر نگاه خاصی به انسان و مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، شکل گرفته‌اند. فضای حاکم بر علوم انسانی غربی، متأثر از مبانی فلسفی آن دیار و متکی بر نگاه فلاسفه آن سامان به انسان است. در جهان اسلام نیز باید مبتنی بر معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی حاکم بر اندیشه‌های اسلامی، به سراغ علوم انسانی رفت. یکی از وجوه بومی‌سازی علوم انسانی، توجه به ظرفیت‌های دیدگاه‌های متفکران داخلی است. تحلیل و بررسی دیدگاه مرحوم علامه در حوزه اعتباریات در راستای تحول بنیادین علوم انسانی، خود گامی برای بومی‌سازی علوم انسانی به شمار می‌آید. در ادامه به ظرفیت این نظریه در برخی از حوزه‌های علوم انسانی اشاره می‌شود.

ادراکات اعتباری و انسان‌شناسی

ارتباط تام و تمام این دسته از ادراکات با انسان‌شناسی، امری روشن و بدیهی است. علامه با رویکرد خاص و خوانشی که از اختیار و اراده انسان در پرتو پذیرش نظریه ادراکات اعتباری مطرح می‌کند، نگاهی کاملاً متفاوت با دیگر متفکران در حوزه انسان‌شناسی پیدا می‌کند. ادراکات اعتباری، مربوط به کنش و عمل انسان است و با احساسات و امیال درونی او ارتباط دارد. در واقع اعتباریات، منشأ اراده و عمل در انسان می‌گردد. انسان در مرحله نیاز عملی در زندگی خود، اعتباریات را جعل می‌کند. حسن زندگی انسان به همین ادراکات است و هیچ فعلی از افعال، خالی از آنها نیست. حیات عملی و اجتماعی انسان‌ها در گرو این ادراکات است.

علامه ساختار وجود آدمی را به گونه‌ای می‌داند که هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی، به این ادراکات نیاز دارد. علامه حتی بیان می‌دارد که هیچ عمل اختیاری از انسان‌ها بدون اعتباریات سر نمی‌زند. انسان بدون اعتباریات همچون ماهی بدون آب خواهد بود. مکانیسم آدمی به گونه‌ای طراحی شده که باید این ادراکات را جعل کند. پذیرش ادراکات اعتباری در عرصه انسان‌شناسی سبب تحولاتی در این عرصه خواهد شد. بررسی ساختار وجودی آدمی، اصل اراده و اختیار انسان با نگاه به مسئله اعتباریات، تفاوت انسان و حیوان در ادراکات اعتباری، ارادی یا اضطراری بودن این دسته از ادراکات برای انسان، و مسائل فراوان دیگر در حوزه انسان‌شناسی با این رویکرد خاص باید بازخوانی شوند.

ادراکات اعتباری و معرفت‌شناسی

اصل بحث معرفت‌شناسی، ناظر به معقولات ثانیه فلسفی و منطقی است؛ اما ادراکات اعتباری نیز چون از سنخ ادراک هستند، در معرفت‌شناسی بحث می‌شوند. البته باید توجه داشته باشیم که اعتباریات در حیطه ادراکات عملی است، نه نظری. عملی بودن این سنخ از ادراکات، آنها را از مقوله صدق و کذب بیرون آورده، ارزش کارکردی و عمل‌گرایانه به آنها می‌دهد. به تعبیر دقیق مرحوم علامه، این ادراکات دروغ‌های مفید و مؤثر است. البته دروغ مفید به معنای قطع کامل ارتباط با خارج نیستند. این ادراکات از آنجا که از نیازهای طبیعی نشئت گرفته‌اند و در راستای ارضای آن نیازها هستند، با واقع ارتباط دارند؛ یعنی اعتباریات بر مبنای رئالیسم شکل می‌گیرد. درگیری علامه با مارکسیست‌ها و دیگر ایدئالیست‌ها در همین نقطه است.

از لحاظ معرفت‌بخش بودن، این دسته از ادراکات، صدق و کذب‌بردار نخواهند بود؛ اما از منطق خاصی تبعیت می‌کنند و آن پیروی از نیازها و احساسات درونی انسان‌هاست. مکانیسم شکل‌گیری این دسته از معرفت بشری، کارکرد ذهن در شکل‌دهی به آنها، تصورات و تصدیقات اعتباری، جایگاه قوه متخیله در شکل‌دهی به این مفاهیم، تصرفات ذهن در آنها، پیوند نظریه اعتباریات با معقولات ثانی، جهان خارج و طبع و نیاز آدمی و مسائلی مانند آن، از دیگر مباحثی است که معرفت‌شناسی نظریه اعتبارات باید بدان بپردازد.

ادراکات اعتباری؛ فلسفه تربیت و فلسفه فرهنگ

به نظر علامه ساختار وجودی آدمی به گونه‌ای است که نیازهای مادی و معنوی فراوان، او را احاطه کرده است. امیال و خواست‌های انسانی از این نیازها نشئت می‌گیرند. با توجه به اینکه نیازها عامل امیال و خواسته‌ها و ارزش‌های فرد یا جامعه هستند، اولویت‌های انسان نیز تحت تأثیر نظام معرفتی و ارزشی‌اش قرار دارد که این خود ناشی از توجه بیشتر به نیازهای خاص است. شدت این توجه، ناشی از عوامل زیستی-روانی (طبع) و اجتماعی و اخلاقی (عادت) است. به همین دلیل تربیت و فرهنگ، در نظام اعتبارات و الزامات فرد یا جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند.

این نظریه با فلسفه فرهنگ ارتباطی تنگاتنگ دارد. دیدگاه علامه در نظریه ادراکات اعتباری در واقع بیان این مطلب است که انسان چگونه از خود به اجتماع می‌رسد و در اجتماع چگونه فرهنگ را سامان می‌دهد و ارزش‌های حاکم بر اجتماع به چه صورت شکل می‌گیرند؟ با وضع اعتباریات، نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها برطرف می‌گردد. آنگاه مجال آن پیدا می‌شود که

دریابیم این انسان‌ها چگونه با هم پیوند برقرار می‌کنند. به عبارتی، با اینکه با مناطق و فرهنگ‌های مختلفی مواجه هستیم و انسان‌های موجود در این محیط‌ها دارای اعتبارات مختلفی هستند، چگونه می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند؟ فهم و گفتگو میان هر انسانی با انسان دیگر در سایه پذیرش نظریه اعتباریات چگونه میسر است؟ هر فرهنگی با فرهنگ دیگر چگونه در تعامل خواهد بود؟ سؤالات یادشده و طرح مسائل دیگر، از جمله تحقیقات فلسفی در زمینه فرهنگ است که دیدگاه خاص علامه در اعتباریات باید پاسخگوی به آنها باشد.

ادراکات اعتباری و علوم اجتماعی

قابلیت و ظرفیت نظریه ادراکات اعتباری در علوم اجتماعی بیش از شاخه‌های دیگر علوم انسانی است؛ چراکه تداوم زندگی اجتماعی، در سایه تکون و پیدایش گزاره‌های خاص در حوزه ادراکات اعتباری است. از این رو لازم است در جامعه‌شناسی بومی از این استعداد و ظرفیت استفاده بیشتری شود. به باور علامه جامعه پیشرفته معطوف به ادراکات اعتباری است؛ چراکه لازمه این جامعه و مدنیت اجتماعی، استخدام متقابل است. استخدام در حوزه اجتماعی، به وضع قانون نیاز دارد. اجرای قانون نیز مبتنی بر روابط عادلانه است؛ در غیر این صورت با بی‌نظمی و هرج و مرج و در نهایت از بین رفتن اجتماع روبرو خواهیم شد. بنابراین پیشرفت و سعادت اجتماع در گرو ادراکات اعتباری است.

نکته مهم در ارتباط ادراکات اعتباری با علوم اجتماعی، آن است که علامه اعتباریات را مبتنی بر شرایط و محیط‌های اجتماعی مختلف، متغیر می‌داند. ترقی و کمال جوامع نیز در تحول و تغییر نیازها و نگرش‌هایی است که سبب اعتبار امور مختلف می‌گردند. بنابراین تغییر این دسته از ادراکات، در نظر علامه مرتبط با شرایط اجتماعی است. مسئله اعتبار استخدام در حوزه علوم اجتماعی، بار معنایی خاصی دارد. انسان از امور مختلف، در راستای بهره‌گیری خود استفاده می‌کند و همه‌چیز را به صورت ابزاری برای نفع خود به کار می‌گیرد؛ اما به ضرورتی، از این اصل به اجتماع روی می‌آورد و حیات اجتماعی خود را سامان می‌دهد. بنابراین شکل‌گیری اجتماع در دیدگاه علامه و ارتباط آن با مسئله استخدام، بیانگر دیدگاه بدیع در عرصه جامعه‌شناسی است.

ادراکات اعتباری و فلسفه سیاست

دیدگاه علامه با بیان مصادیق خاص در حوزه سیاست، در دیدگاه ادراکات اعتباری همراه است. مفاهیم سیاسی مانند استخدام، عدالت به عنوان اعتباریات بالمعنی الاخص در فلسفه سیاست، بیانگر اهمیت این نظریه در حوزه و عرصه سیاست است. اندیشه سیاسی علامه بدون در نظر گرفتن این ادراکات، لغو خواهد بود. ارتباط این موضوع را با دانش سیاسی از جهات مختلف می‌توان مطرح کرد؛ اما با توجه به مجال مقاله، به چند نکته اساسی اشاره می‌شود که می‌تواند در تحول و نگاه خاص به دانش بومی علوم سیاسی اثرگذار باشد.

مهم‌ترین نکته در این عرصه آن است که علامه برخلاف اسلاف خود، علت اقبال به اجتماع را اضطراب می‌داند. بیشتر متفکران ما انسان را مدنی بالطبع می‌دانند؛ یعنی طبیعت انسان‌ها به گونه‌ای است که به زندگی اجتماعی روی می‌آورند. علامه به صراحت انسان را مدنی بالاضطرار می‌داند. البته دیگران نیز تا پیش از علامه به این امر اشاره کرده‌اند؛ اما رویکرد و تعلیل علامه با آنها کاملاً متفاوت است.

علامه اصل اولیه را برای زندگی فردی و اجتماعی، استخدام می‌داند. استخدام در وهله اول در حوزه فردی مطرح است؛ اما از آنجا که این امر به ظلم و تعدی و چیرگی افراد به یکدیگر منجر می‌شود، به ناچار و از سر اضطراب، بشر به زندگی اجتماعی روی می‌آورد. اضطراب از اجرای عدالت و جلوگیری از ظلم است که انسان‌ها را به زندگی اجتماعی سوق می‌دهد. به تبع شکل‌گیری زندگی اجتماعی قانون و حکومت هم مطرح می‌شود و به دنبال آن، مسئله عدالت اجتماعی. اگر این اضطراب نبود، انسان‌ها زیر بار قانون و قواعد اجتماعی نمی‌رفتند. علامه در عرصه مباحث سیاسی بیان می‌دارد که بدون زندگی مدنی، اصلاً عدالت معنا نمی‌یابد و حقوقی مراعات نخواهد شد؛ چراکه بر اساس استخدام فردی، انسان‌ها به ظلم و تعدی خواهند پرداخت و هرکسی به دنبال استخدام افراد و امور برای خود خواهد بود. استخدام فردی به گونه‌ای است که آدمی تلاش می‌کند در راستای این امر اعتباری (استخدام) دیگران را تحت سلطه خود درآورد. این سلطه و استثمار، ناهنجاری و هرج و مرج را در زندگی انسان‌ها به دنبال خواهد داشت.

با پذیرش این دیدگاه، بحث فلسفه بعثت انبیا و قوانین الهی، رویکرد و خوانشی خاص پیدا می‌کند که هم در حوزه مباحث کلامی و هم در عرصه مباحث سیاسی، چالش‌هایی جدی به دنبال خواهد داشت.

مسئله امنیت در اجتماع، حقوق شهروندی، مسئله شورا، حاکمیت و مدل‌های حکومتی، نقد استبداد، پذیرش حاکمیت ولایی،

مردم‌سالاری دینی، نظریه عدالت در فضای جدید فلسفه سیاسی، نقد لیبرالیسم و سکولاریسم و مباحث متعدد دیگر در حوزه علوم سیاسی در نظرگاه علامه با توجه به دیدگاه خاص ایشان در حوزه اعتبارات، در خور توجه است. از این‌رو ظرفیت ادراکات اعتباری برای تحول در علوم سیاسی نیز در خور تأمل و توجه جدی است.

ادراکات اعتباری و فلسفه اخلاق

نظریه ادراکات اعتباری از جنبه‌های مختلف با اخلاق و فلسفه اخلاق مرتبط است. مهم‌ترین جنبه آن، بحث باید و نباید و ملاک آن، مسئله حسن و قبح، و مسئله حق و تکلیف است. به تعبیری ادراکات اعتباری، هم با مفاهیم الزامی باید و نباید و هم با مفاهیم ارزشی خوب و بد و درست و نادرست در اخلاق، ارتباطی تنگاتنگ می‌یابد. پذیرش مبنای علامه می‌تواند تحولی جدی و البته تأمل‌برانگیز در مسائل اخلاقی ایجاد کند. تاکنون در محافل علمی بحث‌های خوبی در این‌باره شده است.

مهم‌ترین مفاهیم اخلاقی در فلسفه اخلاق، دو واژه خوب و بد است. خوب و بد چیستند؟ مطلق‌اند یا نسبی؟ دین در تعیین مصادیق خوبی و بدی چه نقشی دارد؟ گزاره‌های اخلاقی چه ماهیتی دارند؟ و سؤالات متعدد دیگری که در حوزه اخلاق مطرح‌اند. علامه در آثاری مانند «المیزان» به مطلق‌گرایی اخلاق تن می‌دهد؛ اما دیدگاه خاص ایشان در نظریه ادراکات اعتباری، به ظاهر خلاف آن را بیان می‌دارد. ایشان در «اصول فلسفه» و رساله «الاعتبارات» به صراحت به اعتباری بودن حسن و قبح افعال و امور نظر می‌دهد. به باور ایشان، خوبی و بدی را انسان با توجه به خواست و نیاز خود به افعال و امور نسبت می‌دهد. این دیدگاه، بحث‌های چالشی را در حوزه اخلاق پیش می‌کشد که مهم‌ترین آن، انکار مطلق‌گرایی در اخلاق خواهد بود. علامه با طرح این دیدگاه، حتی میان شاگردان خویش با انتقادهایی مواجه شد. ورود به این بحث، مجال وسیع می‌طلبد. با وجود نقض و ابرام‌هایی که بر این دیدگاه وارد است، ظرفیت این نظریه را در فلسفه اخلاق نمی‌توان انکار کرد؛ ضمن اینکه برخی از محققان با نگارش مقالات و کتاب‌هایی، به توجیه نظر علامه در نسبت اخلاق پرداخته‌اند.

ادراکات اعتباری و فلسفه حقوق

بر اساس نظریه ادراکات اعتباری، انسان از اصل استخدام استفاده می‌کند و هرآنچه در مسیر کمال به کار آید، به خدمت خود می‌گیرد. بر این اساس انسان به تصرف در امور مختلف پرداخته، حتی از به‌کارگیری هم‌نوع خود دریغ نمی‌کند. در این مرحله آدمی در می‌یابد که دیگران نیز مانند او می‌خواهند از اصل استخدام استفاده کنند و هم‌نوع خود را به کار گیرند. در اینجا تعارض میان دو هم‌نوع پیش می‌آید. بنابراین بشر برای راحتی در استخدام، در اینجا عنصر دیگری را اعتبار می‌کند و آن اصل مصالحه است؛ او با هم‌نوع خود مصالحه می‌کند. البته مصالحه به دلیل اضطرار شکل می‌گیرد. در همین مرحله واژه عدالت را نیز به استخدام می‌گیرد. برای اینکه در استخدام و مصالحه اختلاف و انحراف به وجود نیاید، عدالت لازم است. استخدام، مصالحه و عدالت علاوه بر بار اخلاقی، از ارزش حقوقی برخوردارند و در دانش حقوق به کار گرفته می‌شوند.

ضرورت اجتماع، ملک و سلطنت و حکومت را به دنبال دارد. اینجا نیز مفاهیم حقوقی نقش ایفا می‌کنند و جایگاهی ویژه می‌یابند. حق تکوینی و حق اعتباری، اختصاصات و چگونگی تحقق‌بخشی آن در نظریه علامه، با دانش حقوق ارتباط پیدا می‌کند.

ادراکات اعتباری و اقتصاد

اعتبارات برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی است و یکی از عرصه‌های زندگی اجتماعی نیز اقتصاد است. رفتارهای اقتصادی انسان‌ها تابعی از رفتارهای اجتماعی است. اگر برای زندگی اجتماعی، ناگزیر از وضع اعتبار برای رفع نیازها و پاسخگویی به احساسات هستیم، به تبع برای اقتصاد نیز باید چنین کاری انجام دهیم. بنابراین مفاهیم اقتصادی با ادراکات اعتباری در ارتباط خواهد بود. مفاهیم مختلف اقتصادی مانند انتخاب مصرف‌کننده، حاکمیت مصرف‌کننده، مطلوبیت نهایی، حداکثر کردن سود، بازار رقابتی و مفاهیم این‌چنینی، در راستای وضع قانون و اعتبار آیین‌نامه‌ها و قراردادهای خواهد بود که اینها نیز برای رفع نیاز انسان شکل می‌گیرند. از این‌رو اقتصاد نیز ارتباطی تنگاتنگ با نظریه ادراکات اعتباری خواهد یافت.

در حوزه اقتصاد و تحلیل پدیده‌های اقتصادی، رویکردهای مختلفی در جهان مطرح است که در مصاف با آنها نظر علامه را می‌توان طرح کرد و این نظریه، ظرفیت بومی‌سازی اقتصاد اسلامی را دارد.

ارتباط ادراکات اعتباری با روان‌شناسی

روان‌شناسی شاخه‌های متعددی دارد. یکی از شاخه‌های مهم آن، روان‌شناسی فلسفی است. نظریه ادراکات اعتباری با این شاخه

از روان‌شناسی ارتباطی وثیق دارد و می‌تواند روان‌شناسی فلسفی بومی را تولید کند. این دیدگاه از آنجا که به چگونگی پیدایش و تولید ادراکات اعتباری می‌پردازد و آن را محور بحث خود قرار می‌دهد، مرتبط با روان‌شناسی فلسفی است.

از جنبه دیگر، چگونگی شکل‌گیری رفتارهای انسان، در روان‌شناسی شخصیت بحث می‌شود. نظریه علامه در اعتباریات درباره شکل‌گیری رفتار، می‌تواند الگویی در عرصه روان‌شناسی رفتار و شخصیت عرضه کند. احساسات درونی مانند حب و بغض و شوق و میل و رغبت در انسان چگونه شکل می‌گیرد؟ روان‌شناسی به دنبال پاسخ برای این سؤال است. به نظر علامه عامل پیدایی این صورت‌ها در انسان چیزی جز اعتبار نیست. بنابراین نمی‌توان از ظرفیت دیدگاه اعتبارات در روان‌شناسی غافل ماند.

نتیجه

آنچه بیان شد، صرفاً قطره‌ای از دریای پهناور اندیشه مرحوم علامه بود. اندیشه او به حق، منظومه‌ای عمیق و دقیق است که قابلیت و ظرفیت‌های فراوانی در حوزه علوم انسانی دارد. ما در این مجال به ساحت ویژه‌ای از دیدگاه خاص او در حوزه اعتبارات نظر افکنده و خوشه‌ای از خرمن اندیشه‌های او چیدیم. علامه با طرح اعتباریات ادراکی و معطوف به عمل و رفتار انسانی، آنها را با علوم انسانی پیوند می‌دهد. ادراکات اعتباری کارکرد عملی دارند و همین کارایی در حوزه عمل، لغویت و بی‌اثری را از این دسته از ادراکات خارج می‌سازد. امور انسانی در زندگی فردی و اجتماعی، وابسته به این ادراکات است. رابطه تولیدی و استنتاجی این ادراکات، سبب رابطه علوم می‌شود. علوم می‌شود که از ادراکات اعتباری به دست می‌آید، نمی‌تواند علوم طبیعی و علوم ناظر به حقایق واقعی و خارجی باشد. حاصل آنکه علوم تحصیلی از این دسته از ادراکات، علوم ناظر به انسان و نیازهای وی خواهد بود و آن چیزی نخواهد بود جز علوم انسانی. بنابراین می‌توان لازمه منطقی پذیرش ادراکات اعتباری را تشکیل علوم ناظر به نیازها و غایات و افعال انسانی دانست. رویکرد علامه در حوزه علوم انسانی با رویکردهای غرب و شرق که مبتنی بر نظریه ادراکات اعتباری شکل می‌گیرد، متفاوت است.